

مقالات مرتبط

- قمصر
- یادی از بانو مهین
- چهارشنبه شبی که سرنوشت من نوشته شد
- معرفی کتاب: مهدوی نامه
- ابن ندیم ما (متن سخنرانی در تجلیل از احمد منزوی)
- بخارا؛ رسانه‌ی فجای ایرانی
- بهار
- یک نامه به فریدون رهنما: درباره «سیاوش در تخت جمشید»
- یمن در شعر فارسی
- اوژن یونسکو: ادبیات دیگر برایم مفهومی ندارد
- یادی از منوچهر کی مرام
- تاریخ و تاریخنگاری: گفتگو با دکتر هما ناطق

عناوین مشابه

- حوزه ی دشت فین کاشان؛ بستر شکل‌گیری ساختار زیستی، باغات و مزارع کهن
- فین (کاشان)
- باغ شاه فین در کاشان
- وجه تسمیه «کاشان، فین و سیلک»
- تاثیر بازاریابی گردشگری باغ فین در توسعه اقتصادی شهر کاشان
- باغ ایرانی، تصویری عینی از بهشت توصیفی قرآن با تاکید بر آیات سوره ی واقعه (نمونه های موردی: ماهان کرمان، فین کاشان، قدمگاه نیشابور، ارم و خان شوشتر)
- بررسی تاثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر رضایت از کیفیت زندگی در محلات شهری (مطالعه موردی: محلات سلطان میراحمد و فین کاشان)
- طرح بهسازی و توسعه محدوده: فین کاشان
- مستندنگاری و حفاظت پوشش گیاهی باغ‌های تاریخی، نمونه موردی: باغ فین کاشان
- سنجش و مقایسه سرمایه اجتماعی در گونه‌های متفاوت محلات شهری؛ (نمونه موردی: محله سلطان میراحمد و فین کاشان)



آقایان : علی اصغر حکمت ، ملک الشعراء بهار
حبيب یغمائی (در کنار رودخانه قمصر)

م . بهار

فین (کاشان)

در شماره پیش بمسافرت جناب آقای علی اصغر حکمت و استاد ملک الشعراء بهار
و آقای حبيب یغمائی بقمصر کاشان (خرداد ۱۳۲۰) اشارت رفت، و اشعار حبيب یغمائی در وصف
قمصر بچاپ رسید . اینك قصیده آقای بهار در وصف «فین».

نه آب روان است که جان است و روانست
یا آنکه بهر جدول ، سیلاب روانست
گویی که مگر روح زمین در غلیانست
چون ساقی پیروزه سلب در فورانست
چون موی پریشان برخ سیمبرانست
شیطان صفت از تک بسوی سطح دوانست
چون تیر شهابست که بر دیو نشانست
چون دیو کج آیین بر حور چنانست
ز این روی ازان گوشه بدان گوشه خزانست
خرچنگ کج آهنگ نهان و نگرانست
وین از منش پست شب و روز نهانست

سرچشمه «فین» بین که در آن آب روانست
گویی بشمر موج زند گوهرمیال
آن آب قوی بین که بجوشد ز تک حوض
فواره کاشی رده بسته بجداول
و آن آب روان از بر فواره پریشان
آن ماهی جلد شکم اسپید سیه پشت
وان ماهی زرین که سوی تک دوداز سطح
خرچنگ کج آهنگ بر ماهی زیبا
ترسم که برانندش ازین کوثر جانبخش
ماهی که بود راست رو از کس نهراست
آن از منش راست کند جلوه چپ و راست

ماهی بود آزاده و ساده دل و شادان
 قدسی بود اسفند که همخانه خوت است
 اندر سرطان خطه کاشان چو جعیمی است
 از خلد نشانی بود این باغ که طرحش
 آن سرو کهن سال نماینده عصری است
 آزادگی و غسری از سرو بیاموز
 ای سرو تو آزادی، از آن جاویدانی
 ای سرو تو ثابت قدم و عالیشانی
 آثار بزرگان بین اندر در و دیوار
 گسرمایه خونین اقبال را بنگر
 هر رخنه دیوارش گویی که دهانی است
 رفتند و بماند از پس ایشان اثر نیک
 از حکمت ما نیز اثرهاست در بن ملک
 آباد بدستور معارف که بامرش
 در این سفر او رهبر ما گشت، از این رو
 ما همراه او شاد غنودیم و تن آسان
 شوشو در او جوی که شادی بچناست
 ارجو که پیاداش هنرهاش بینم
 طعم نهد داد مدیحت که چنین کار
 مهمان بپاییم خلیایم که در جود
 اعیان بینی عامر معروف جهانند
 بس محتشم است، اما درویش نهادست

خرچنگ خبیث است و گریه است و جبانست
 قتال بود تیر که جفت سرطانست
 این طرفه جعیمی که بهشتش بیانست
 فرموده عباس شه خلد مکانست
 کازادگی و مردمیش قل جهانست
 کازاده و غسرم بهمار و بخزانست
 هر کس که شد آزاد بلی جاویدانست
 هر مرد که ثابت قدم، او عالیشانست
 آثار جیوانمرد ز کسردار نشانست
 گویی که هنوز از غم او اشک فشانست
 کاندلر حق دژخیمش نفرین بزربانست
 خوش آنکه پس از او اثر نیک عیانست
 آبادی این باغ نسوداری از آنست
 این کاخ مرمت شد و این آب روانست
 توفیق و سعادت مان بگیرفنه غناست
 در همراهی خضر گذر بر حیوانست
 رورو ره او گیر که ره بسی حدتبانست
 نشسته بر آن صدر کجا لایق آنست
 در عهده یقمانی و آن طبع روانست
 همتای بپراییم خلیل الرحمن است
 وین گوهر تابنده ازان عالی کانست
 با دانش پیرانست ارچند، جوانست

لطفش بحق یاران محتاج بیان نیست

آنجا که عیانست چه حاجت به بیانست

✽ مقصود ابراهیم خلیل خان عامری کاشانی فرزند مرحوم سهام السلطنه است که
 از مردان نیک بود و دو سال پیش وفات یافت .

این خانواده را با خانواده یقما از دیرباز دوستی و پیوستگی معنوی بوده و اگر
 مجال بدست آید که مکاتبات متبادله رجوع شود مطالبی درخور درج خواهیم یافت .